

اعتدال فکری

❖ تفکر تخریبی

❖ اشتباهات ناخود آگاه

تفکر تخریبی

حوادثی که در زندگی روزمره واقع می‌شوند ، خواه تلخ یا شیرین ، همه مانند رعد و باران و تبات ندارند ، مثل برق می‌گذرند ، و از دیده‌ها ناپدید می‌گردند ، فقط انعکاساتی از آن‌ها برای خوب و بد ، برای انسان باقی می‌ماند .

برای عمده‌ای اصولاً این نوع اشتباهات هم تحقق نمی‌پذیرد ، بلکه خطا و بهرمان همان صورت خارجی حوادث است ، ولی افرادی که دارای فکر قوی و سالمی می‌باشند ، علل و عوامل آن حوادث را دنبال می‌کنند ، سعی می‌کنند با روش علمی می‌خواهند برای تحقق حوادث قورمول علمی بوجود آورند ، برای رسیدن به چنین هدفی ذهنشان از هر نوع تعصب و انحرافتی عاری بوده ، با دیده واقع بینانه‌ای ، علل را بررسی می‌نمایند ، بدون اینکه کمترین تصرفی در متن اصلی حادثه از خود بنمایند ، و به عبارت روشن‌تر از خود چیزی بر آن نمی‌افزایند ، چیزی هم کم نمی‌کنند ، واقعیت خارجی را همان‌چنان که در خارج وجود دارد با بیروما و استعداد های خود در آوردن می‌کنند ، در برابر اینگونه اشخاص گروه دیگری وجود دارند که در این کار دچار یکتوع و وسوسه روحی می‌باشند ، آنها در بررسی مسائل و حوادث بتدریج دید واقع بینی را از دست می‌دهند ، و دچار انحرافات فکری می‌گردند .

اینگونه افراد چون از ابتدا با تفکر تخریبی در مسائل و موضوعات وارد می‌شوند ، نمی‌توانند حوادث را با دید واقع بینانه‌ای تجزیه و تحلیل کنند .

بدون تردید هر جریانی و هر کاری دارای جنبه‌های منفی نیز می‌باشد ، ولی مشکل کار

اینگونه افراد در این است که نمی‌توانند ، در هر من جنبه‌های منفی ، جهات مثبت حوادث

راحم بررسی کنند .

مثلا وقتی میخواهد درباره شخصی قضاوت کنند ، بلا فاصله نقاط ضعف آن شخص در برابر دیدشان مجسم شده با آب و تاب فراوانی آنها را شرح و بسط می دهند . و آنچنان در توصیف بدیها راه مبالغه میزنند که چنین شخصی ، اصولا فاقد هر نوع جنبه مثبتی است . در حقیقت این طرز قضاوت معمول یک نوع اجزای فکری است . چنین احساسی همیشه سیاهی چشم خود گذشته : همه چیز را سیاه می بینند .

اولین زبان این نوع قضاوت اینست که اینگونه افراد در زندگی اجتماعی دچار افسوس و بدبینی شده ، روح سازدگی از آنان رخت بر خواهد بست .

زندگی انسانها اجتماعی است ، فردی که بدبین است کم کم از زندگی اجتماعی بیزار میگردد . چه یکی از اصول اساسی زندگی اجتماعی روح گذشت و احساس است . یعنی انسان میبایستی تا حدودی از تواقف و عیوب مردم چشم پوشید ، با آنان بسازد ، و شخص بدبین چون چیزی جز بدی چیزی دیگر را نمی بیند ، بناچار از زندگی اجتماعی کناره خواهد گرفت ، فردی که از زندگی اجتماعی گریزان باشد ، بتدریج حس اعتماد و انگیزه نفس را از دست خواهد داد ، زیرا شخص منطقی باف از ان تمام هر نوع فعالیت های اجتماعی محروم است ، بناچار نمی تواند بخود اعتماد داشته و استعدادهای رشد و تکامل یابد ، از این گذشته این سلب اعتماد و بدبینی کم کم قضاوت او را نسبت به شخص خود نیز دگرگون میسازد ، بخود نیز اعتماد و اعتقادی نخواهد داشت .

در حقیقت بدبینی همانند بیماری خطرناکی است ؛ همان دلموری که دیگران را بپلالت می افکند خود شخص را هم بنا برودی میکشاند .

افرادی که کارهای بزرگ انجام میدهند کسانی هستند که بخود اعتماد و خوشبینی بعلوم انسانی و مطالعات تجربی آمار (تقریبا ۴۶)

امریکای شمالی و جنوبی

کامل داشته ، بهیچوجه تحت تأثیر افکار مسموم منطقی باافن قرار نمیگیرند ، و همچنان به فعالیت خود ادامه میدهند ، تا در آن کار موفق گردند .

و قلمند ، پس از آن سال که برای ساختن کابل زیر دریایی زحمت کشید ، ضعیف و پیل دوستاش من گفتند که ؛ بیلدغه زورت خود را از دست داده ، بناچار میبایستی از گرسنگی بگریزد .

ولی او کمترین توجهی باین افکار مسموم و کشف شده ننموده ، بکار خود همچنان ادامه داد ، تا شاهد موفقیت رادار آغوش گرفت .

اشتباهات ناخود آگاه

برخی از اطباء به طور ناخود آگاه - من میکنند ، مرض بیمار را بزرگ جلوه دهند ،

بدون اینکه توجه داشته باشند ، با ابتکار قدرت روحی و معنوی مرض را نابود کرده ، پس از آن میخواهند یاد او و دارو بیمار را شفا بخشند .

افراد بد بین همین نقش را بازی میکنند ، یعنی همیشه سعی میکنند عیب و نقص را خیلی بزرگ جلوه دهند ، و با اصولا هر عمل مثبتی را بصورت منفی قلمداد کنند ، ابتکار این گونه افراد در همین بزرگ نشان دادن معایب است .

برخی از مریبان غیر وارد در مسائل تربیتی جنبه های منفی کودکان را بر جشان میکنند بزرگترین زبان این نوع تربیت ها این است که کودک رومیبه خود را باخته گمان می کند واقعا بد بوده و هرگز قدرت ندارد از این آلودگی اخلاقی خود را نجات دهد .

اسول عقلانی ایجاد میکنند ، ما مانند قاضی با وجدانی عمل کنیم ، تمام جنبه های مثبت و منفی حوادث را بررسی کنیم ، تا بتوانیم در پاره آن حادثه قضاوت عادلانه بنمائیم ، پس همانطور که سطحی بودن افراد زبان آور است ، همچنین داشتن فکر تحریبی نیز امری و صحیح نمیباشد ، بنابراین باید تلاش و کوشش کرد ، که از دور خطه افراطی و تفریطی برکنار بود .

نکته ای که نباید ناگفته بماند اینست که بسیاری از افراد بدبین و منفی باف علاوه بر اینکه دارای فکر تحریبی میباشند ، اصولا با دید وسیع تر و عمیق تری مسائل و حوادث راد نظر نمیآورند ، و حال آنکه اگر اینگونه افراد با دید وسیع تری موضوعات را بنگرند و عوامل و علل مستقیم و غیر مستقیم حوادث را در نظر بیاورند ، امکان دارد که در نوع قضاوت های خود تجدید نظری بعمل آورند ، و تا حدودی از بدبینی برکنار گردند .

مطالعات تجربی علوم انسانی و مطالعات آماری (تقریبا ۴۶)

نام کشور	عدد مسلمانان	در سال
آرژانتین	۲۵۰۰۰۰	۱۲۷۳۵۰۰
استرالیا	۱۰۳۰۰	۶۵۹۲۴۵۰۸۳
ژلان جدید	۲۰۰	جمع کل مسلمانان جهان
کوبه آلمان	۸۰۰۰۰	۱۹۶۵
جزایر فیلیپین	۱۰۹۰۰۰	۱۹۵۱
نام کشور	عدد مسلمانان	در سال
امریکای شمالی	۴۰۰۰۰۰	۱۹۶۰
امریکای جنوبی (منهای آرژانتین)	۳۴۹۰۰۰	تری بنیاد و هندیه های غربی
ترکی	۷۵۰۰۰	-
جمع کل مسلمانان جهان	۶۵۹۲۴۵۰۸۳	۱۹۶۵
ترجمه و انتشار از مجله والاتحاد که بزبان انگلیسی از طرف انجمن اتحادیه دانشجویان مسلمان امریکا و کانادا منتشر میشود ، شماره ۲	مارچ ۱۹۶۸	۱۹۵۱